

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
۰۵ می ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲

ترجمه و تفسیر سورة النازعات - ۱

سورة النازعات

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای ۶ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱) وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲) وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳) فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶) تَتْبِعُهَا الرَّادِفَةُ (۷) قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸) أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹) يَقُولُونَ أَنِنَّا لَمَرُدُّوْنَ فِي الْخَافِرَةِ (۱۰) أَنِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً (۱۱) قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲) فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴) هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵) إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِی الْمَقْدَسِ طُوًى (۱۶) أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۱۷) فَقَدْ هَلَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (۱۸) وَأَهْدَيْكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (۱۹) فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (۲۰) فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱) ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى (۲۲) فَخَشَرَ فَنَادَى (۲۳) فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴) فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (۲۶) أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا (۲۷) رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸) وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰) أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱) وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (۳۲) مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵) وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶) فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱) يُسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳) إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (۴۴) إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ خَشَاهَا (۴۵) كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

معلومات موجز:

سورة « النازعات » از جمله سوره های مکی است. این سوره به نام « ساهره » نیز یاد می شود. امام سخاوی رحمة الله در مورد این سوره می گوید:

این سوره بعد از سوره «نبأ» و پیش از سوره «إذا السماء انشقت» نازل شده است. این سوره دارای (۲) دو رکوع ، (۴۶) آیت ، (۱۸۱) یکصد و هشتاد و یک کلمه ، (۷۹۱) هفتصد و نود و یک حرف و (۳۴۰) سه صد و چهل نقطه است.

اسباب نزول:

اسباب نزول آیت (۱۲) :

سعید بن منصور از محمد بن کعب روایت کرده است: چون الله تعالی جل جلاله « أَتَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ » (نازعات آیه ۱۰) را نازل کرد، کفار قریش گفتند: اگر بعد از مرگ زنده شویم به شدت زیان خواهیم کرد. پس «قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» (۱۲) نازل شد.

اسباب نزول آیت (۴۲ الی ۴۴):

حاکم وابن جریر از عائشه (رض) روایت کرده اند از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد قیامت بسیار سؤال می شد ، تا که خدا جل جلاله این کلام عزیز « يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا » (۴۲) «فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا» (۴۳) « إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » (۴۴) را نازل کرد . سپس سؤالات آنها پایان یافت.

ابن ابو حاتم از طریق جویبر از ضحاک از ابن عباس (رض) روایت کرده است: مشرکان مکه با استهزاء و تمسخر از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کردند که قیامت چه وقت بر پا می شود ؟ پس آیت « يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ... تا اخر سوره) نازل شد.

طبرانی وابن جریر از طارق بن شهاب روایت می کند : رسول الله صلی الله علیه وسلم از قیامت بسیار یاد می کرد تا « فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ، إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » نازل شد. ابن حاتم از عروه نیز مانند این روایت کرده است.

وجه تسمیه :

این سوره به سبب افتتاح با سوگند الهی به «نازعات» که عبارت از فرشتگان قبض کننده ارواح بنی آدم اند، «النازعات» نامیده شد. نام دیگر این سوره «ساهره» یعنی «زمین محشر» است که بیان آن در آیت (۱۴) آمده است.

ترجمه موجز سوره:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

« وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا » (۱) (قسم به فرشتگانی که ارواح بندگان (کافران) را از اجسادشان با کشیدنی سخت بیرون می کشند)

« وَالنَّاسِطَاتِ نَسْطًا » (۲) (و قسم به فرشتگانی که جان (مؤمنان را) به آرامی و مهربانی می گیرند .)

« وَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا » (۳) (و قسم به فرشتگانی که آسمان برای اجرای فرمان الهی شتابان و شنا کنان فرود می آیند).

« فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا » (۴) (و قسم به فرشتگانی که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می برند).

« فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا » (۵) (و قسم به فرشتگانی که همه امور را تدبیر می کنند)

« يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ » (۶) (در آن روز زلزله ای درمی گیرد.)

« تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ » (۷) (سپس) نفخه دوم ، درصور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود ، و جهان ابدی آغاز می‌گردد) .

« قُلُوبٌ يُّؤْمِنُ وَاجِفَةً » (۸) (دل‌هایی در آن روز تپان و پریشان می‌گردند .)

« أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ » (۹) (و چشمانشان (آن گروه) فرو افتاده.)

« يَقُولُونَ أَنِنَا لَمْرُدُّوْنَ فِي الْخَافِرَةِ » (۱۰) (می‌گویند: آیا ما دوباره به زندگی بازگردانده می‌شویم؟)

« أَنَدَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً » (۱۱) (آیا وقتی که استخوانهای پوسیده و فرسوده‌ای خواهیم شد (به زندگی بازگردانده می‌شویم ؟) .

« قَالُوا تِلْكَ إِذْ كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ » (۱۲) (می‌گویند: آن‌گاه آن بازگشتی زیانبار است.)

« فَأَنَّمَا هِيَ زُجْرَةٌ وَاحِدَةٌ » (۱۳) (پس آن تنها یک بانگ بلند است .)

(بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدائی (از صور) برمی‌خیزد و بازگشت انجام می‌پذیرد .)

« فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ » (۱۴) (پس آن‌گاه آنان بر زمین هموار می‌آیند .)

« هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى » (۱۵) (آیا خبر داستان موسی به تو رسیده است؟)

« إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى » (۱۶) (بدان گاه که پروردگارش او را در زمین مقدس طوی صدا زد .)

« أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى » (۱۷) (بدو گفت:) برو به سوی فرعون که سرکشی و طغیان کرده است .)

« فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى » (۱۸) (بگو : آیا میل داری (از آنچه در آن هستی) ، رها و پاک گردی ؟)

« وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى » (۱۹) (و تو را به‌سوی پروردگارت راه نمایم تا تو بیمناک گردی.)

« فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى » (۲۰) (و (موسی) معجزه بزرگ را به او نشان داد)

« فَكَذَّبَ وَعَصَى » (۲۱) (آن‌گاه دروغ انگاشت و سرپیچی کرد.)

« ثُمَّ أَذِيرَ يَسْعَى » (۲۲) (سپس پشت کرد و رفت و (برای مبارزه با موسی) به سعی و تلاش پرداخت .)

« فَخَشَرَ فَنَادَى » (۲۳) (آن‌گاه (جادوگران را) گرد آورد و (مردمان را) دعوت کرد .)

« فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى » (۲۴) (و گفت : من والاترین معبود شما هستم !)

« فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى » (۲۵) (خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد)

« إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى » (۲۶) (در این (داستان موسی و فرعون ، درس) عبرت بزرگی است برای کسی که (از خدا) بترسد .)

« أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا » (۲۷) (آیا قریش شما سخت‌تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن‌را ساخته است؟)

« رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا » (۲۸) (بلندی آن‌را برافراشته و آن‌را به سامان ساخت.)

« وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا » (۲۹) (و شب آن‌را تاریک کرد و روز آن‌را روشن نمود.)

« وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا » (۳۰) (و پس از آن ، زمین را غلتاند و (به شکل بیضی در آورد و) گستراند .)

« أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا » (۳۱) (آب آن را و چراگاه آن را پدیدار کرد .)

« وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا » (۳۲) (و کوهها را محکم و استوار کرد .)

« مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ » (۳۳) (برای استفاده شما و چهارپایان شما (همه اینها را سر و سامان داده و سرگشته و فرمانبردار کرده‌ایم) .)

« فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى » (۳۴) (هنگامی که بزرگترین حادثه (و بلای سخت طاقت‌فرسای قیامت) فرا می‌رسد.)

« يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى » (۳۵) (روزی‌که انسان تلاش خود را به یاد می‌آورد.)

« وَبَرَزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى » (۳۶) « و دوزخ برای هر فرد بینائی آشکار و نمایان می‌گردد. »
 « فَأَمَّا مَنْ طَغَى » (۳۷) (اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد .)
 « وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا » (۳۸) (و زندگی دنیا را ترجیح داده است .)
 « فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى » (۳۹) (بداند که) دوزخ جای (او) است
 « وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى » (۴۰) (و اما کسی که از ایستادن در حضور پروردگارش بیمناک بوده است . و نفس را از هوی و هوس باز داشته باشد .)
 « فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى » (۴۱) (قطعاً بهشت جایگاه (او) است .)
 « يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا » (۴۲) (از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود ؟)
 « فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا » (۴۳) (تو را چه خبر از آن ؟)
 « إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا » (۴۴) (آگاهی از زمان وقوع قیامت با پروردگارت است .)
 « إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنِ الْخَضَاهَا » (۴۵) (تو تنها بیم‌دهنده کسی هستی که از آن (قیامت) می‌ترسد .)
 « كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا » (۴۶) (روزی که آنرا می‌بینند، انگار که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده‌اند .)

آشنائی با سوره :

محتوا و موضوع بحث در این سوره را موضوعات مربوط به روز قیامت در بر می‌گیرد، موضوعات زندگی بعد از مرگ و ارائه دلایل قوی و محکم و انکار ناپذیر را از این بابت مورد بحث قرار داده است . هکذا در این سوره :

- ۱- قسم های مؤکدی که با معاد ارتباط دارد و بر تحقق این روز بزرگ تکیه و تأکید می‌کند.
- ۲- قسمتی از مناظر ترسناک و وحشت ناک آن روز گفته شده است.
- ۳- در این سوره اشاره ای کوتاه و گذرائی به داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون طغیان گر شده که هم مایه تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه وسلم و مؤمنان، هم هشدار ی به مشرکان طغیانگر و اشاره ای به این است که انکار معاد انسان را به چه گنا هائی آلوده می‌کند
- ۴- در این سوره نمونه هائی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین بر شمرده شده که خود دلیلی برای امکان معاد و حیات و بعث بعد از مرگ است.
- ۵- شرح قسمت دیگری از حوادث وحشتناک آن روز بزرگ و سرنوشت طغیانگران و پاداش نیکوکاران .
- ۶- سرانجام در این سوره بر این حقیقت تکیه شده که هیچ کس از تاریخ وقوع قیامت باخبر نیست ولی همین اندازه مسلم است که نزدیک است.

مهمترین و هوشدار ترین نقطه که در این سوره بدان تأکید شده ، اینست که برای قیامت باید آمادگی گرفت و برای آن در این دنیا باید کار و فعالیت کنند و اما کسی که به قیامت باور ندارد به عناد و لجابت او نباید توجه کرد چون لجابت او مبنی بر تکذیب و عناد است و وقتی او به چنین حالتی رسیده است پاسخ دادن به او کار بیهوده ای می‌باشد و خداوند که داورترین داوران است از انجام دادن کار بیهوده پاک و منزّه است.

تفسیر موجز سوره:

« وَالنَّارِغَاتِ غَرْقًا » (۱) (قسم به فرشتگانی که ارواح بندگان را از اجسادشان با کشیدنی سخت بیرون می‌کشند) و یا هم قسم به کسانی که ارواح را به سختی بیرون می‌کشند.

« النَّارِغَاتِ »: برکنندگان. بیرون کشندگان. برای کلمه پنجگانه (نَارِغَات، نَاشِطَات، سَابِغَات، مُدَبِّرَات) به کار رفته است. (تفسیر کبیر)

از جمله: فرشتگان، ستارگان آسمان، اسبان مجاهدان، ارواح مردگان، غازیان و جهادگران، قلوب مردمان و گاهی آمیزه‌ای از اینها. اما اغلب مفسران طرفدار ستارگان و فرشتگانند. بهترین نظریه، در این باب نظریه تفسیر المنتخب است که گردآورنده چکیده همه نظرات است. (تفسیر نور)

« غَرْقًا »: به گونه اغراق‌آمیز. به تمام و کمال.

« وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا » (۲) (قسم به همه چیزهایی که (نیروی بدن آنها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) چابکانه و استادانه بیرون می‌کشند!

« النَّاشِطَاتِ »: آنهایی که کارها را آهسته و آرام، ولی استادانه و چابکانه به انجام می‌رسانند. (تفسیر نور)

فرشتگانی هستند که با قدرت و نشاط جان‌ها را می‌ستانند. و یا «نشط» برای ارواح مؤمنان و «نزع» برای ارواح کافران است.

« وَالسَّابِغَاتِ سَبْحًا » (۳) (و قسم به فرشتگانی که شناورند) یعنی قسم به همه چیزهایی که (سرعتی بدن آنها داده شده است که در پرتو آن، وظائف خود را هر چه زودتر) به شکل ساده و آسان انجام می‌دهند!

« فَالسَّابِغَاتِ سَبْقًا » (۴) (و قسم به فرشتگانی که برای انجام امر الهی از دیگر فرشتگانی پیشی می‌گیرند. نیز از شیطان‌ها پیشی می‌گیرند تا وحی خداوند را به پیامبرانش برسانند و شیطان‌ها نتوانند آن را بدزدند.

« فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا » (۵) (و قسم به فرشتگانی که خداوند آن‌ها را برای تدبیر بسیاری از کارها در جهان بالا و پائین از قبیل باران و روئیدن گیاهان و وزیدن بادهای و اداره دریاها و حیوانات و بهشت و جهنم و غیره مقرر داشته است.

« يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ » (۶) (در آن روز زلزله‌ای درمی‌گیرد. (و آن روز، روز قیامت است. (در آن روزی که) نفخه اول، در صور دمیده می‌شود و (زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند).

« تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ » (۷) (سپس) نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود، و جهان ابدی آغاز می‌گردد).

« قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ » (۸) (دل‌هایی در آن روز از سختی و وحشت آن‌چه می‌بینند و می‌شنوند ترسان می‌شوند).

« أَبْصَارُهُا خَاشِعَةٌ » (۹) (چشمان آن‌ها فرو افتاده و ترس دل‌هایشان را فرا گرفته و وحشت دل‌هایشان را از بین برده و تأسف و حسرت بر آن‌ها مستولی و چیره گشته است.

« يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ » (۱۰) (می‌گویند: آیا ما دوباره به زندگی بازگردانده می‌شویم؟). آیا پس از مرگ به آفرینش نخستین باز می‌گردیم؟! این استفهام، انکاری است که مشتمل بر غایت تعجب است. یعنی آن‌ها زنده شدن پس از مرگ را انکار کردند. سپس آن را بیشتر بعید دانسته. کافران در دنیا به صورت تکذیب می‌گویند:

« أُنَدَا كُنَّا عِظَامًا تَحَرَّةً » (۱۱) (آیا وقتی که تبدیل به استخوان‌های پوسیده و از هم پاشیده‌ای شدیم باز به زندگی بر می‌گردیم؟

« قَالُوا تِلْكَ إِذْ كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ » (۱۲) (می‌گویند: آن‌گاه آن بازگشتی زیانبار است).

(تمسخرکنان) می‌گفتند: این (بازگشت به زندگی دوباره، اگر انجام‌پذیر گردد) در این صورت بازگشت زیانبار و زیان‌بخشی خواهد بود! (و ما هرگز از این زیانها نخواهیم کرد، و چنین کاری ممکن نیست).

آن ها بعید می دانند که خداوند آنان را پس از مرگ و بعد از آن که به استخوان های پوسیده تبدیل گشتند دوباره زنده گرداند. چون آنان نسبت به قدرت و توانائی خداوند جاهل بودند و در حق او جسارت می کردند.

خداوند در بیان این که زنده کردن مردگان برایش آسان است می فرماید:

«فَإِنَّمَا هِيَ زُجْرَةٌ وَاحِدَةٌ» (۱۳) (پس آن تنها یک بانگ بلند است.) بازگشت آنان چندان مشکل نیست (تنها صدائی) از صور (برمی خیزد و بازگشت انجام می پذیرد)

«فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ» (۱۴) (پس آن گاه آنان بر زمین هموار می آیند.) (ناگهان همگان (به پا می خیزند و) در دشت وسیع و بزرگ و سفید محشر آماده می شوند.)

در این جا پروردگار به فرشتگان و کارهایشان که نشانگر کمال فرمانبرداری آن ها از خدا و شتاب آنان در اجرای دستور او می باشد، سوگند خورده است. احتمال دارد که آنچه برای اثبات آن سوگند خورده شده جزاء و زنده شدن پس از مرگ باشد. و احتمالاً آنچه برای اثبات قیامت بیان شده است و احتمالاً آنچه برای اثبات آن سوگند خورده شده و آنچه به آن سوگند یاد شده است یکی هستند و خداوند به فرشتگان قسم خورده تا وجود آن ها ثابت گردد. چون اعتقاد به وجود فرشتگان یکی از ارکان شش گانه ایمان است.

نیز پرداختن به کارهایشان متضمن جزاء و پاداشی است که به هنگام مرگ و قبل و بعد از آن بر عهده فرشتگانی است. خداوند متعال به پیامبرش محمدصلی الله علیه وسلم می فرماید:

« هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى » (۱۵) آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ این سؤال از امر بزرگی است که به وقوع پیوسته است. یعنی آیا خبر او به تو رسیده است؟ آنگاه که :

« إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى » (۱۶) (بدان گاه که پروردگارش او را در زمین مقدس طوی صدا زد.) طوی: محل است که خداوند در آن جا با موسی سخن گفت و با اعطای رسالت بر او منت گذارد و او را به همراه وحی مبعوث کرد و برگزید. پس به او فرمود:

« أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى » (۱۷) (بدو گفت : برو به سوی فرعون که سرکشی و طغیان کرده است.) یعنی برو و با سخنانی نرم و مهربانانه بگو ، او را از سرکشی و طغیان و شرک ورزیدن و نافرمانی بازدار. « لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى » شاید او پند پذیرد یا بترسد.

« فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزْكَى » (۱۸) (پس به او بگو: آیا می خواهی به خصلتی پسندیده و زیبا که خردمندان در به دست آوردن آن از یک دیگر پیشی می گیرند روی بیاوری؟ و آن این است که خود را پاکیزه گردانی و خوشتن را از آلودگی کفر و طغیان پاک کنی و به سوی ایمان و عمل صالح بیروی بیانی؟!)

« وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى » (۱۹) (و تو را به سوی خدا راهنمایی کنم و عوامل رضایت و خشم الله را برایت بیان نمایم؟!) « فَتَخْشَى » پس چون راه راست را بشناسی از پروردگارت بیمناک خواهی شد. اما فرعون از پذیرفتن آنچه موسی او را به سوی آن فرا خواند، امتناع ورزید.

« فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى » (۲۰) (و موسی معجزه بزرگ را به او نشان داد. موسی به پیش فرعون رفت و معجزه بزرگ (خود ، یعنی تبدیل عصا به اژدها) را بدو نشان داد.)

« فَكَذَّبَ وَعَصَى » (۲۱) (آن گاه دروغ انگاشت و سرپیچی کرد.) (اما فرعون ، موسی را دروغگو نامید و نبوت او را نپذیرفت ، و از چیزی که از جانب خدا با خود آورده بود ، سرپیچی کرد.)

« ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى » (۲۲) (سپس پشت کرد و رفت و (برای مبارزه با موسی) به سعی و تلاش پرداخت.)

« فَحَشَرَ فَنَادَى » (۲۳) (آن گاه (جادوگران را) گرد آورد و (مردمان را) دعوت کرد .)
« فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى » (۲۴) (فرعون لشکریانش را جمع کرد و ندا زد و به آن ها گفت: « من پروردگار برتر شما هستم. پس مردم سخن او را باور کردند و به باطل او اقرار نمودند زیرا عقل آن ها را به بازیچه گرفته بود.)
« فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى » (۲۵) (خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد
« إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى » (۲۶) (بی گمان در این (داستان موسی و فرعون ، درس) عبرت بزرگی است برای
کسی که (از الله) بترسد .)

ادامه دارد